

حجت الاسلام
عبدالملکی:
چیزهایی که
محمد بن
عبدالوهاب به
عنوان اسباب
ارتداد در نواقض
الاسلام از آن یاد
می کند، در کتب
فقه حنبلی مثل
کتب ابن قدامه،
ابن مفلح
حنبلی، بهوتی
حنبلی و...
دیده نمی شود.
نه تنها دیده
نمی شود بلکه
فقهای حنبلی
خلافش را
آورده اند

منتشر کند. اما طالبان به این جزوه‌ها چه واکنشی نشان داد؟ اگر طالبان آن فکر را گرفته بود، شما امروز در افغانستان با چیز دیگری شبیه داعش روبه‌رو بودید. طالبان آن فکر را پس زد. اما آیا افراد شبهه‌زده در میان طالب وجود نداشت یا ندارد؟ تا دلت بخواهد همه جای جهان اسلام افراد شبهه‌زده وجود دارند و اختصاص به طالبان ندارد. ولی اگر از من مصداق بخواهید، من یک آدم رهبری که سرش به تنش بیارزد، نمی‌شناسم.

حجت الاسلام عبدالملکی: حالا در تکمیل حرف آقای حیاتی، عبدالله عزام می‌گوید وهابی‌ها به پیشاور می‌آیند، جوانان عرب را از همکاری و جهاد با گروه‌های افغانی باز می‌دارند و می‌گویند اینها قبوری و مشرک‌اند.

مقایسه‌ای بفرمایید از کتاب‌شناسی، شیخ‌شناسی و عقیده‌شناسی طالب و داعش.

حجت الاسلام حیاتی: عقیده داعش کاملاً عقیده محمد بن عبدالوهاب است. چون عقیده، عقیده محمد بن عبدالوهاب است و عقیده محمد بن عبدالوهاب هم در کتاب‌های مشخصی ترویج شده و این کتاب‌ها توسط شیوخ مشخصی شرح و قصد داده شده تمام این کتاب‌ها و تمام این شیوخ که این عقیده را شرح و قصد دادند، تماماً مورد قبول داعش است. در بین این کتاب‌ها و در بین این شیوخ یک نفر سنی نمی‌بینید. من تحدی می‌کنم یک نفر سنی شما بیاور شافعی، اشعری، شافعی، مالکی، حنبلی، حنفی که جزو شیوخ داعش باشد. اصلاً نیست چون طیف سنی اصلاً گفتمان محمد بن عبدالوهاب را قبول ندارند.

خود محمد بن عبدالوهاب مگر به لحاظ فقهی حنبلی نبوده؟

حجت الاسلام حیاتی: محمد بن عبدالوهاب طبق ادعایش با کتاب و سنت کار داشته. فرضاً اگر می‌خواست یک درپچه‌ای پیدا کند برای رسیدن به کتاب و سنت رفته سراغ فقه حنبلی. چون پدرش حنبلی است، برادرش حنبلی است. خودش در فضای حنبلی تنفس کرده ولی اشتراک در فقه برای ما هیچ آورده‌ای نخواهد داشت. فایده ندارد. ما خودمان کلی اشتراک فقهی با اهل سنت داریم. ما را عقیده از اهل سنت جدا کرده. لذا فقه محمد بن عبدالوهاب مهم نیست، مهم کلام و عقیده است.

بروم سر کتاب‌شناسی. کتاب‌های کشف الشبهات، نواقض الاسلام و کتاب توحید محمد بن عبدالوهاب ناموس داعش است. کسانی که بعداً در سرزمین نجد مفسر و شارح حرف‌های محمد بن عبدالوهاب و کتاب‌های محمد بن عبدالوهاب شدند، حرف‌هایی زدند که این حرف‌ها در ۱۶ جلد تحت عنوان الدرر السنیة فی الفتاوی النجدیه جمع شد. فتاوی نجدیه یعنی فتاوی علمای نجد که تابع گفتمان محمد بن عبدالوهابند. داعش طابق النعل بالنعل کل گفتمان اینها را گرفت و تمام شیوخی که اینجا فتوا دادند همه مهر تأیید از ناحیه داعش خوردند.

اما طالبان عقیده‌اش ماتریدی هست. کتاب‌هایش کتاب‌های ابوحنیفه است. کسانی که در فقه حنفی و در عقیده ماتریدی حرف بزنند، نزد اینها محترم که هیچ، اصلاً عقیده‌شان همین است. کتاب عقیدتی‌شان عقیده طحاوی است. یک داعشی بخواهد عقیده بخواند کتاب توحید محمد بن عبدالوهاب را می‌خواند. خب دو فضای ضد هم‌اند. شیوخ اینها عبارت‌اند از شیوخ دیوبند شامل شاه ولی دهلوی، عبدالعزیز دهلوی، رشید احمد کهنوبی، محمد قاسم